

بہ نام پروردگار مہربان

گرامر زبان کنکور

دہم | یازدہم | دوازدہم

امید یعقوبی فرد



لقمہ طلایے



مہروماہ



بخش اول

زمانها



Past Progressive

زمان گذشته استمراری

درسنامه

۴

دهم / ۳

فعل **was/ were + ing** دار

همون طور که از اسم زمان گذشته استمراری معلومه، از این زمان برای نشون دادن استمرار کار در گذشته استفاده می‌شه. البته چون ممکنه منظورم رو خوب متوجه نشین، کاربردهای زمان گذشته استمراری رو دونه‌دونه و همراه مثال براتون توضیح می‌دم.

۱ وقتی در گذشته یه کاری در حال انجام بوده باشه و یهو یه اتفاقی بیفته یا کار دیگه‌ای شروع شه، برای کار طولانی‌تر از زمان گذشته استمراری و برای کار کوتاه‌تر از زمان گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

➔ **He was walking when he slipped on a banana skin.**

گذشته استمراری

گذشته ساده

او داشت راه می‌رفت که پاش روی پوست موز لغزید.
(کار طولانی‌تر ← راه رفتن / کار کوتاه‌تر ← لغزیدن)



۲ وقتی دو یا چندتا کار در گذشته به‌طور هم‌زمان با هم انجام می‌شه، برای همه‌شون از زمان گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.

➔ He was listening carefully while they were talking.

گذشته استمراری

گذشته استمراری

در حالی که آن‌ها صحبت می‌کردند، او با دقت گوش می‌داد. (این دو عمل در گذشته هم‌زمان با هم انجام می‌شده؛ پس برای هر دو تاشون از گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.)

۳ وقتی کاری در گذشته انجام شده باشد، اما معلوم نباشد اون کار چه زمانی شروع یا تموم شده از زمان گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.

➔ At eight o'clock yesterday morning the plane was flying to Tehran.

گذشته استمراری

هواپیما دیروز ساعت هشت صبح به تهران پرواز می‌کرد. (هواپیما دیروز ساعت هشت صبح پرواز می‌کرد، اما پرواز کی شروع شد؟ معلوم نیست! کی تموم شده؟ اینم معلوم نیست!)

۴ برای توصیف شرایط و اوضاع و احوال در زمان گذشته، از زمان گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.

➔ It was very beautiful in the park. The birds were singing, the

گذشته استمراری

children were playing, and a few old men were chatting.

گذشته استمراری

گذشته استمراری

پارک [حال و هوای] خیلی زیبایی داشت. پرندگان آواز می‌خواندند، بچه‌ها بازی می‌کردند و چند مرد کهنسال گپ می‌زدند. (چون این سه تا فعل برای توصیف اوضاع و احوال پارک استفاده شدن، برای هر سه اون‌ها، فعل گذشته استمراری به کار می‌بریم.)

نکته: حواستون باشه که در زمان گذشته استمراری از was برای ضمایر فاعلی I, he, she, it و یا اسم‌های مربوط به اون‌ها استفاده می‌کنیم، اما were برای we, you, they و اسم‌های جایگزینشون به کار می‌ره.



Grammar Practice

نمونه سوالات

1. While Mojtaba in his room, his friends television.

- 1) was working / watched
- 2) worked / watched
- 3) was working / were watching
- 4) worked / were watching

2. When Mary last night, I my favorite program on television.

- 1) called / was watching
- 2) called / watched
- 3) was calling / watched
- 4) was calling / was watching

3. I dinner with some of my friends at 8 o'clock yesterday evening.

- 1) having
- 2) have
- 3) am having
- 4) was having

4. The children in the garden when it suddenly to rain.

- 1) were playing / was beginning
- 2) were playing / began
- 3) played / began
- 4) played / was beginning

5. I hungry. Let's go out and have something to eat.

- 1) get
- 2) was getting
- 3) am getting
- 4) were getting

۱. گزینه «۳»

در حالی که مجتبی در اتاقش کار می‌کرد، دوستانش تلویزیون تماشا می‌کردند. **توضیح** وقتی دو یا چند تا کار در گذشته به‌طور هم‌زمان با هم انجام می‌شده، برای همه‌شون از زمان گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.

۲. گزینه «۱» وقتی مری دیشب زنگ زد، برنامه‌ی مورد علاقه‌ام را در تلویزیون تماشا می‌کردم.

توضیح وقتی در گذشته یه کار، در حال انجام بوده باشه و یهو یه اتفاقی بیفته یا کار دیگه‌ای شروع شه، برای کار طولانی‌تر از زمان گذشته استمراری (was watching) و برای کار کوتاه‌تر از زمان گذشته ساده (called) استفاده می‌کنیم.

۳. گزینه «۴» دیروز ساعت ۸ عصر با تعدادی از دوستانم شام می‌خوردیم. **توضیح** وقتی کاری در گذشته انجام شده باشه، اما دقیقاً معلوم نباشه اون کار چه زمانی شروع یا تموم شده، از زمان گذشته استمراری استفاده می‌کنیم.

۴. گزینه «۲» بچه‌ها در باغ بازی می‌کردند که ناگهان باران شروع شد. **توضیح** وقتی در گذشته یه کاری در حال انجام بوده باشه و یهو یه اتفاقی بیفته یا کار دیگه‌ای شروع شه، برای کار طولانی‌تر از زمان گذشته استمراری (were playing) و برای کار کوتاه‌تر از زمان گذشته ساده (began) استفاده می‌کنیم.

۵. گزینه «۳» دارد گرسنه‌ام می‌شود. بیا بید برویم بیرون و چیزی بخوریم. **توضیح** برای اشاره به کاری که الان در حال انجام است از زمان حال استمراری (فعل ing دار + am / is / are) استفاده می‌کنیم.

بخش دوم

ساختار جملات



جمله مرکب جمله‌ای هستش که از ترکیب دو یا چند تا جمله ساده تشکیل شده، یعنی وقتی دو یا چند تا جمله ساده داشته باشیم که با هم ارتباط معنایی داشته باشن، می‌تونیم اون‌هارو با یکی از کلمات ربط (که در این مورد کلمات ربط همپایه‌ساز هستن) با هم ترکیب کنیم و یک جمله مرکب درست کنیم.

→ Everyone was busy, so I went to the movie alone.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

همه گرفتار بودند، پس تنها به سینما رفتم.

→ They got there early, and they got really good seats.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

آن‌ها زود به آن‌جا رسیدند، و صندلی‌های واقعاً خوبی گرفتند.

کلمات ربط همپایه‌ساز

همون‌طور که می‌بینی، اصلی‌ترین موضوع در مورد جملات مرکب تشخیص دادن ارتباط معنایی و در نتیجه انتخاب کردن کلمه ربط همپایه‌ساز مناسب هستش. در کتاب درسی تون چهار تا کلمه ربط همپایه‌ساز معرفی شده که اون‌ها رو با هم بررسی می‌کنیم:

۱ افزایش اطلاعات مشابه (and): از **and** برای افزودن فعالیت‌ها یا احساسات مشابه به همدیگر استفاده می‌شه.



→ I missed dinner, and I'm very hungry.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

به شام نرسیدم و خیلی گرسنه هستم.

→ I drove to the park, and then I walked to the house.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

با ماشین به پارک رفتم و بعد پیاده تا خانه رفتم.

۲ بیان تضاد (but): از but می‌تونیم برای نشون دادن تضاد و تفاوت بین دو بند جمله یا نشون دادن نتیجه غیرمنتظره استفاده کنیم.

→ She is tall, but her brother is rather short.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

او قد بلند است، ولی برادرش نسبتاً کوتاه [قد] است. (تضاد)



→ Egypt is a hot country, but Russia is very cold.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

مصر کشور گرمی است، ولی روسیه بسیار سرد است. (تضاد)



→ We had planned carefully, but many things went wrong.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

با دقت برنامه‌ریزی کرده بودیم ولی چیزهای زیادی درست پیش نرفت. (چون با وجود برنامه‌ریزی دقیق، خیلی از کارها درست پیش نرفته، نتیجه غیرمنتظره داریم و بین دو بند جمله از **but** استفاده می‌کنیم.)
۳ حق انتخاب بین دو مورد (**or**): همون‌طور که می‌دونین **or** حق انتخاب بین دو چیز یا موضوع رو نشون می‌ده:

→ You should cook dinner, or you may order some pizza.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

شما باید شام بپزید یا می‌توانید مقداری پیتزا سفارش دهید.

→ Do as you're told, or you'll get hurt.

بند اول (امری)

کلمه
ربط

بند دوم

کاری را انجام دهید که به شما گفته می‌شود، وگرنه آسیب می‌بینید.
۴ کلمه ربط نتیجه (**so**): از کلمه **so** استفاده می‌کنیم تا نشون بدیم که بند دوم جمله، نتیجه حاصل از بند اول اون هستش.



→ She had to go, so she called a friend to drive her.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

او باید می‌رفت، پس به دوستی زنگ زد تا او را [با ماشین] برساند.

→ I was lost, so I bought a street map.

بند اول

کلمه
ربط

بند دوم

گم شده بودم، پس یک نقشه خیابان [ها] رو خریدم.



نکته: حواستان باشد که در جملات مرکب، قبل از کلمه ربط حتماً یک ویرگول قرار دهید. (همین الان نگاهی به تمامی مثال‌های این درس بیندازید.)



پاسخنامه ✓

۱. گزینه «۳» آن‌ها ساعت‌ها برای امتحان درس خواندند، اما در آن قبول نشدند.

توضیح در این جمله از *but* برای نشون دادن نتیجه غیرمنتظره استفاده شده است. چون اصولاً انتظار می‌ره وقتی افراد برای امتحانی خوب درست خواندن، در اون به راحتی قبول شن.

۲. گزینه «۴» آنجلا گفت شاید برای او ساعت مچی بخرد یا شاید به او کارت هدیه بدهد.

توضیح در این تست از *or* برای نشون دادن انتخاب بین دو حالت یا موضوع استفاده کرده‌ایم.

۳. گزینه «۱» مری تکلیف رو متوجه نشد، پس از معلم کمک خواست.
توضیح چون بند دوم این جمله نتیجه حاصل از بند اول هستش، جمله رو با *so* کامل می‌کنیم.

۴. گزینه «۳» می‌خواستیم به دیدن دوستانمان برویم، ولی پول کافی نداشتیم تا [بلیط] پرواز بگیریم.

توضیح باز هم چون نتیجه غیرمنتظره داریم، جمله رو با *but* کامل می‌کنیم.

۵. گزینه «۲» پزشکان به عکس‌برداری‌های اشعه ایکس نگاه کردند، بنابراین تصمیم گرفتند بر روی بیمار جراحی کنند.

توضیح چون بند دوم این جمله نتیجه حاصل از بند اول هستش، جمله رو با *so* کامل می‌کنیم.

بخش سوم

جملات شرطی



▶ **جمله آینده در گذشته ساده + جمله در زمان گذشته ساده + If**

شرطی نوع دو هم مثل شرطی نوع یک مربوط به زمان حال و آینده می‌شه، ولی این دو نوع جملات شرطی با هم یک تفاوت خیلی مهم و اساسی دارن: برخلاف جمله شرطی نوع یک که تحقق موضوع شرط محتمل و امکان پذیر هستش، در جملات شرطی نوع دو تحقق موضوع شرط فرضی یا خیالی است. یعنی در جملات شرطی نوع دو یا اساساً امکان تحقق موضوع شرط وجود نداره و یا احتمال تحقق اون اندک است.

➔ **If I knew the answer, I'd tell you.**

بند جواب شرط (آینده در گذشته ساده) بند شرط (گذشته ساده)

اگر پاسخ را می‌دانستم آن را به شما می‌گفتم. (جواب را نمی‌دانم، پس تحقق موضوع شرط فرضی یا خیالی است.)

➔ **If I had enough money, I would buy this car right now.**

بند جواب شرط (آینده در گذشته ساده) بند شرط (گذشته ساده)

اگر پول کافی داشتم، این ماشین را همین الان می‌خریدم. (پول کافی ندارم، پس تحقق موضوع شرط فرضی یا خیالی است.)





➔ If she entered the competition, she would win the first prize.

بند شرط (گذشته ساده)

بند جواب شرط (آینده در گذشته ساده)

اگر او وارد رقابت می‌شد، برندهٔ جایزهٔ اول می‌شد. (او وارد رقابت نشده، پس تحقق موضوع شرط فرضی یا خیالی است.)

روش ساختن جمله شرطی نوع ۲

- ۱ اصلی‌ترین نشانهٔ جملات شرطی کاربرد *if* (اگر) هستش. دقت کن که در جملات شرطی، *if* رو قبل از بند شرط قرار می‌دیم.
- ۲ در بند شرط جملات شرطی نوع دو به فعل گذشته ساده (در مثال‌ها *had, knew* و *entered*) نیاز داریم.
- ۳ در بند جواب شرط (نتیجه) جملات شرطی نوع دو به فعل آینده در گذشته ساده (شکل سادهٔ فعل + *would/'d*) نیاز داریم.

نکته: همون‌طور که در درس قبل هم گفتم اگر *if* به همراه بند شرط در ابتدای جملهٔ شرطی باشن، حتماً باید بین بند شرط و بند جواب شرط ویرگول قرار بگیره. البته در جملات شرطی می‌تونیم بند جواب شرط (نتیجه) رو به ابتدای جمله منتقل کنیم که در این صورت دیگه حق نداریم از ویرگول استفاده کنیم.

➔ I'd tell you if I knew the answer.

بند شرط (گذشته ساده) (آینده در گذشته ساده)

➔ I would buy this car right now if I had enough money.

بند جواب شرط (آینده در گذشته ساده)

بند شرط (گذشته ساده)

➔ She would win the first prize if she entered the competition.

بند جواب شرط (آینده در گذشته ساده)

بند شرط (گذشته ساده)

نکته: در جملات شرطی نوع دو می‌تونیم به جای *would/'d* در بند جواب شرط از *could* (توانایی یا اجازه دادن) یا *might* (احتمال) هم استفاده کنیم.

➔ If we had more free time, we could go out more often.

بند شرط (گذشته ساده)

بند جواب شرط (*could*)

اگر وقت آزاد بیشتری داشتیم، می‌توانستیم بیشتر بیرون برویم.

نکته: در جملات شرطی نوع دو می‌تونیم به جای *if* (اگر) از *unless* (مگر این که) استفاده کنیم. البته حواستون باشه که *unless* معنی متضاد *if* (یعنی *if not*) رو داره. نکته مهم در این جا اینه که در شرطی نوع دو فقط موقعی می‌تونیم از *unless* استفاده کنیم که تحقق موضوع شرط غیر محتمل باشه، ولی اگه تحقق موضوع شرط از اساس غیر ممکن بود دیگه حق نداریم از *unless* استفاده کنیم.

➔ I would go to the match if they offered me a free ticket.

بند جواب شرط (فعل مثبت)

بند شرط

اگر آنها به من بلیت رایگان پیشنهاد می‌کردند، به مسابقه می‌رفتم. (گوینده جمله ارائه شدن بلیت رایگان را غیر محتمل می‌داند، ولی همان‌طور که مشخص است این موضوع غیر ممکن نیست.)

➔ I wouldn't go to the match unless they offered me a free ticket.

بند جواب شرط (فعل منفی)

بند شرط

به آن مسابقه نمی‌روم مگر این که به من بلیت رایگان پیشنهاد کنند.

نکته: در بند شرط جملات شرطی نوع دو می‌توانیم به جای فعل گذشته ساده، از فعل گذشته استمراری (فعل *ing* + *was/were*) هم استفاده کنیم.



➔ If they were having lunch, I'd join them.

بند شرط (گذشته استمراری)

بند جواب شرط

اگر آنها [الآن] غذا می خوردند، به آنها ملحق می شدم.

نکته: در جملات شرطی نوع دو اگر قصد استفاده از فعل to be در بند شرط را داشته باشیم، برای تمام اشخاص از were استفاده می شود. البته کاربرد was هم برای اول شخص و سوم شخص مفرد در انگلیسی غیر رسمی امکان پذیر است.

➔ If I were / was rich, I'd leave my job.

بند جواب شرط (آینده در گذشته ساده) بند شرط (گذشته ساده)

اگر ثروتمند بودم، کارم را ترک می کردم. (چون جمله شرطی نوع دو است، حتی برای فاعل اول شخص مفرد I هم بهتر است از were استفاده کنیم، ولی کاربرد was در انگلیسی غیر رسمی قابل قبول خواهد بود.)

Grammar Practice

نمونه سؤالات

1. If she anywhere she wanted to, she in Brazil.

1) lived / will live

2) could live / will live

3) lived / would live

4) could live / would live

2. If drivers the traffic rules, there fewer accidents.

1) followed / would be

2) would follow / would be

3) followed / will be

4) would follow / will be

3. If it all night, I the grass today like I'd planned.

- 1) rained / will not cut 2) has rained / won't cut
3) rained / have not cut 4) has rained / wouldn't cut

4. If they for my opinion, I them to reconsider their decision.

- 1) ask / am advising 2) asked / may advise
3) ask / have advised 4) asked / would advise

5. What we use to look at ourselves when we comb our hair in the morning if we mirrors?

- 1) would / had 2) will / had
3) would / didn't have 4) will / didn't have

پاسخنامه

۱. گزینه «۴» اگر او می‌توانست هر جایی [که] می‌خواست زندگی کند، در برزیل زندگی می‌کرد.

توضیح در جملات شرطی نوع دو که در مورد یک شرط فرضی یا خیالی در زمان حال و آینده هستند، در بند شرط به فعل گذشته ساده و در بند جواب شرط به فعل آینده در گذشته ساده (در این جا would live) نیاز داریم. دقت کنید که چون در این جا بند شرط بیانگر توانایی است، در این مورد باید به جای فعل گذشته ساده از could استفاده کنیم.

۲. گزینه «۱» اگر رانندگان از قوانین رانندگی پیروی می‌کردند، تصادفات کم‌تری وجود داشت.

توضیح در جملات شرطی نوع دو که در مورد یک شرط فرضی یا

بخش چهارم

افعال

بخش پنجم

اسم



Numbers

اعداد

درسنامه

۲۲

یازدهم / ۱

همون طور که گفته شد، برای شمردن تعداد دقیق اسم‌های قابل شمارش، از اعداد استفاده می‌کنیم. البته توی زبان انگلیسی، عددها هم برای خودشون قواعد خاصی دارن که اون‌هارو در این درسنامه بررسی می‌کنیم:

۱ عددهای صفر تا نوزده رو حفظ کن:

zero → صفر

one (a / an) → یک

two → دو

three → سه

four → چهار

five → پنج

six → شش

seven → هفت

eight → هشت

nine → نه

ten → ده

eleven → یازده

twelve → دوازده

thirteen → سیزده

fourteen → چهارده

fifteen → پانزده

sixteen → شانزده

seventeen → هفده

eighteen → هجده

nineteen → نوزده

۲ دهگان عددهای بیست تا نود رو این‌جوری می‌گیم:

twenty → بیست

thirty → سی

forty → چهل

fifty → پنجاه

sixty → شصت

seventy → هفتاد

eighty → هشتاد

ninety → نود

۳ اگه عدد بیست و یک تا نود و نه دوبرخی بود، بعد از دهگان، یک خط کوچک قرار می‌دهیم و عددهای یک تا نه رو برای یکان اضافه می‌کنیم.

twenty-one → بیست و یک

thirty-seven → سی و هفت

forty-five → چهل و پنج

fifty-three → پنجاه و سه

sixty-nine → شصت و نه

seventy-two → هفتاد و دو

eighty-five → هشتاد و پنج

ninety-nine → نود و نه

۴ حالا عددهای بزرگ‌تر رو حفظ کن.

hundred → صد

thousand → هزار

million → میلیون

billion → میلیارد

مثال:

six hundred → ششصد

two thousand → دو هزار

one million → یک میلیون

ten billion → ده میلیارد

نکته: همون طور که می‌بینی million, thousand, hundred و billion جمع بسته نمی‌شن، مگر این که بخوایم کلی گویی کنیم که اون موقع باید این عددها رو با S جمع ببندیم و بعدشون هم of قرار بدیم.



یکی از مباحثی که قبلاً در کتاب‌های درسی مورد تأکید قرار گرفته بود و اتفاقاً در کنکور هم از آن زیاد سؤال داشتیم، ترتیب صفات بود. در کتاب‌های درسی جدید، ترتیب صفات به طور مستقیم مورد تأکید قرار نگرفته، اما مؤلف کتاب درسی موقع معرفی صفات، آن‌ها را دقیقاً به ترتیبی که انگلیسی زبان‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند قرار داده. این مبحث در واقع خیلی ساده است. در زبان انگلیسی در صورتی که بخواهیم پیش از اسم، از بیشتر از یک صفت استفاده کنیم، بهتر است این صفات را بسته به نوع و ماهیت صفت با ترتیب خاصی قرار دهیم:



فقط حواستان باشد که ترتیب صفات از چپ به راست است!

مثال:

→ a beautiful small round wooden table

تعریف کننده

صفت کیفیت /
عقیده

صفت
اندازه

صفت
شکل

صفت جنس

اسم

یک میز چوبی گرد کوچک زیبا





→ the new white cotton shirt
 تعریف‌کننده صفت سن صفت رنگ صفت جنس اسم

آن پیراهنِ نخی سفیدِ نو

→ the old blue Japanese car
 تعریف‌کننده صفت سن صفت رنگ صفت ملیت اسم

آن ماشین ژاپنی آبی کهنه

نکته: البته صفات در انگلیسی انواع دیگری هم دارند که چون کتاب درسی در مورد آنها حرفی نزده، اصلاً لازم نیست ذهن خودتون رو درگیر آنها کنید.

Grammar Practice

نمونه سؤالات

1. I really liked that ball my uncle gave me on my birthday. (هنر ۹۵)

- 1) beautiful big blue plastic
- 2) big blue beautiful plastic
- 3) blue big plastic beautiful
- 4) beautiful plastic big blue

2. A: "Can I help you?"

B: "Yes, I'm looking for a dress for my daughter."

(انسانی ۹۴)

- | | |
|----------------------|----------------------|
| 1) small pink cotton | 2) small cotton pink |
| 3) pink small cotton | 4) cotton small pink |

صفات فاعلی		صفات مفعولی	
amazing	شگفت‌انگیز	amazed (at / by)	شگفت‌زده (از)
amusing	سرگرم‌کننده، بامزه	amused (at / by)	خرسند (از)، سرگرم (با)
annoying	آزاردهنده، آزارنده	annoyed (with / at / by)	رنجیده (از)، آزرده (از)
boring	کسل‌کننده، خسته‌کننده	bored (with)	کسل (از)، خسته (از)
confusing	گیج‌کننده	confused (by)	گیج (از)، سردرگم (از)
depressing	افسرده‌کننده، ناامید‌کننده	depressed (about)	افسرده (از)، غمگین (از)
embarrassing	خجالت‌آور، شرم‌آور	embarrassed (at / about)	خجالت‌زده (از)، شرمند (از)
exciting	هیجان‌انگیز	excited (about)	هیجان‌زده (از)
frightening	ترسناک، وحشتناک	frightened (of)	ترسیده (از)، وحشت‌زده (از)
interesting	جالب	interested (in)	علاقه‌مند (به)
relaxing	آرامش‌بخش	relaxed (about)	آرام (در مورد)
satisfying	رضایت‌بخش	satisfied (with)	راضی (از)



بخش هفتم

قیدها، ضمائر و

حروف اضافه

Relative Pronouns ضمایر موصولی



▶ who / whom / which / that / whose

جمله‌های زیر رو بخون:

I have a brother.

من یک برادر دارم.

My brother is a student.

برادرم دانش‌آموز است.

همون‌طور که می‌بینی brother در بین این دو جمله تکراری هستش. پس می‌تونیم با حذف کردن بخش‌های تکراری دو جمله و با استفاده از ضمیر موصولی مناسب این دو تا جمله رو با هم ادغام کنیم:

➔ I have a brother who is a student.

ضمیر موصولی

برادری دارم که دانش‌آموز است.

در این درس قرار هستش با ضمایر موصولی و کاربرد هر یک از اون‌ها آشنا بشیم:

۱ ضمایر موصولی فاعلی برای انسان (who / that)

این نوع از ضمایر موصولی وقتی به کار میرن که قبل از ضمیر موصولی مرجع انسان داشته باشیم و بعدش هم فعل بیاد. اصلاً هم مهم نیست که این فعل دارای ساختار معلوم هستش یا ساختار مجهول.

➔ The man who / that called you is my father.

مرجع	ضمیر	فعل
انسان	موصولی	

مردی که با شما تماس گرفت پدرم است.

➔ The girls who / that were invited to the party didn't come.

مرجع انسان	ضمیر موصولی	فعل
------------	-------------	-----

دخترانی که به مهمانی دعوت شدند نیامدند.



۲ ضمائر موصولی مفعولی برای انسان (who / whom / that)

این نوع از ضمائر موصولی وقتی به کار می‌رود که قبل از ضمیر موصولی مرجع انسان داشته باشیم و بعدش هم فاعل یا ضمیر فاعلی بیاید.

→ The woman who / whom / that I saw was a famous

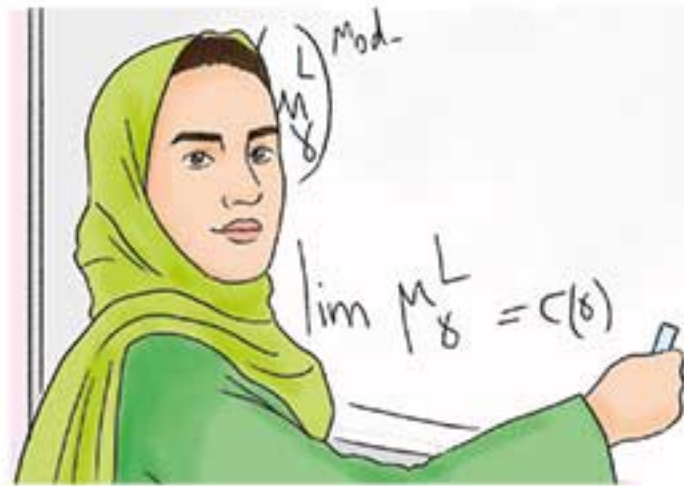
مرجع انسان

ضمیر موصولی

ضمیر فاعلی

mathematician.

خانمی که [او را] دیدم ریاضیدان معروفی بود.



→ The people who / whom / that Ali met were very nice.

مرجع انسان

ضمیر موصولی

فاعل

افرادی که علی [آنها را] ملاقات کرد بسیار مهربان بودند.

۳ ضمائر موصولی فاعلی برای غیرانسان (which / that)

این نوع از ضمائر موصولی وقتی به کار می‌رود که قبل از ضمیر موصولی مرجع غیرانسان داشته باشیم و بعدش هم فعل بیاید. اصلاً هم مهم نیست که این فعل دارای ساختار معلوم هستش یا مجهول.

→ Yesterday I saw a car which / that was really old.

فعل ضمیر موصولی مرجع غیرانسان

دیروز اتومبیلی را دیدم که واقعاً کهنه بود.

→ The book which / that was given to me was very interesting.

مرجع غیرانسان

ضمیر موصولی

فعل

کتابی که به من داده شد خیلی جالب بود.

۴ ضمائر موصولی مفعولی برای غیرانسان (which / that)

این نوع از ضمائر موصولی وقتی به کار می‌روند که قبل از ضمیر موصولی مرجع غیرانسان داشته باشیم و بعدش هم فاعل یا ضمیر فاعلی بیاید.

→ These are the keys which / that we have been looking for.

ضمیر فاعلی ضمیر موصولی مرجع غیرانسان

این‌ها کلیدهایی هستند که دنبالشان می‌گشتیم.

→ I want to borrow the book which / that Milad bought last month.

فاعل ضمیر موصولی مرجع غیرانسان

می‌خواهم کتابی را قرض بگیرم که میلاذ ماه قبل خرید.

۵ ضمیر موصولی مالکیت یا تعلق برای انسان و غیرانسان (whose)

اگر بخواهیم بگوییم اسم بعد از ضمیر موصولی به اسم قبل از اون تعلق دارد، از ضمیر موصولی whose استفاده می‌کنیم.

→ Sam knows a man whose brother works for the President.

سام آقای را می‌شناسد که برادرش برای رئیس‌جمهور کار می‌کند.

→ I talked to the girl whose car had broken down in front of the shop.

با دختری صحبت کردم که اتومبیلش جلوی فروشگاه خراب شده بود.





صرف فعل to be

بخش ۱

حال ساده			
I	am	I	am not
You	are	You	are not
He/She/It	is	He/She/It	is not
We	are	We	are not
You	are	You	are not
They	are	They	are not

حال استمراری			
I	am being	I	am not being
You	are being	You	are not being
He/She/It	is being	He/She/It	is not being
We	are being	We	are not being
You	are being	You	are not being
They	are being	They	are not being

گذشته ساده			
I	was	I	was not
You	were	You	were not
He/She/It	was	He/She/It	was not

بخش ۴

نکته‌های نگارشی

کلمه‌ها + -s and -es (birds/ watches etc.)

اسم + s (جمع)

bird → birds / mistake → mistakes / hotel → hotels

فعل + -s (he/she/it -s)

think → thinks / live → lives / remember → remembers

اما

-s / -sh / -ch / -x / + es بعد از

bus → buses / dish → dishes / watch → watches

box → boxes / pass → passes / wash → washes

teach → teaches / address → addresses

finish → finishes / sandwich → sandwiches

همین‌طور

potato → potatoes / do → does

tomato → tomatoes / go → goes

-f / -fe → -ves:

shelf → shelves / knife → knives /  roof → roofs

افعال بی‌قاعده (دسته‌بندی شده)

۱ گذشته ساده و p.p. این فعل‌ها یکی هستند:

bend → bent	cost → cost
lose → lost	cut → cut
shoot → shot	hit → hit
get → got	hurt → hurt
light → lit	read /ri:d/ → read /red/
dig → dug	broadcast → broadcast
hang → hung / hanged	forecast → forecast
stick → stuck	upset → upset
sit → sat	let → let
burn → burnt / burned	put → put
learn → learnt / learned	shut → shut
smell → smelt / smelled	set → set
lean → leaned / leant	spread → spread
spell → spelt / spelled	lend → lent
keep → kept	send → sent
sleep → slept	spend → spent
feel → felt	build → built